



Etiology of the (hidden) Functions of Kerman's House of Justice in Solving Village Problems (1342- 1357)

Farideh Farzi¹

¹- Graduated with a PhD in the history of post-Islamic Iran, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. farzi.farideh@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
10/03/2023

Accepted:
05/10/2023

The social system of the village has been based on collectivism since the past. In this type of social life, the elders of the tribe had high prestige and dignity. In each village, a few elderly people who were at the head of a large tribe or clan were known as village elders, and many of the villagers' problems were solved by these people. But after the White Revolution, the government tried to increase its role in rural affairs; Therefore, the ninth principle of the revolution was proposed under the title of the House of Justice, which is considered an important milestone in the history of the judicial system of contemporary Iran, because the government, in creating the House of Justice, while maintaining the traditional structure of villages and solving problems through people approved by the villagers (members House of Justice), tried to put more emphasis on the importance of reforms in the country by establishing a new institution in terms of administrative bureaucracy. Therefore, it is very important to examine their performance and the effect they had on the judicial system of the villages. The upcoming research is trying to use the library and documentary resources of this period, by using the descriptive-analytical method, to examine the functions of the House of Justice institution in solving the problems of the villagers. The results of the research show that although this newly established institution was effective in solving some of the problems, but due to the lack of strict monitoring of the performance of the members by the supervisors, the existence of many problems in the villages, the House of Justice institution is not able to solve the issues in many cases. It did not exist and its main functions (implementing justice) were not implemented.

Keywords: words: judicial institution, village, house of justice, function, Kerman.

Cite this article: Farzi, Farideh. Allahyari, Hasan. (2023) Etiology of the (hidden) functions of Kerman's House of Justice in solving village problems (1342- 1357), The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam, Vol. 1, No.2, P:91-115.

DOI: 10.30479/HVRI.2024.18535.1004



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Farideh Farzi

Address: Graduated with a PhD in the history of post-Islamic Iran, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

E-mail: farzi.farideh@yahoo.com

گونه‌شناسی کارکردهای (پنهان) خانه انصاف کرمان در حل مشکلات روستا

(۱۳۴۲ - ۱۳۵۷)

فریده فرزی

۱- دانش آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

farzi.farideh@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	نظام اجتماعی روستا از زمان‌های گذشته بر جمع‌گرایی استوار بوده است. در این نوع زندگی اجتماعی، بزرگان قوم از اعتبار و منزلت والایی برخوردار بودند. در هر روستا چند نفر از افراد مسن که در رأس قوم یا طایفه بزرگی قرار داشتند، به‌عنوان ریش سفیدان روستا شناخته می‌شدند و بسیاری از مشکلات روستاییان به‌وسیله این افراد حل و فصل می‌شد، اما پس از انقلاب سفید، دولت در صدد برآمد تا بر نقش خود در امور روستاها بیفزاید؛ بنابراین، اصل نهم انقلاب با عنوان خانه انصاف مطرح شد که در تاریخ تشکیلات قضایی ایران معاصر نقطه عطف مهمی محسوب می‌شود، چرا که دولت در ایجاد خانه انصاف، ضمن حفظ ساختار سنتی روستاها و حل مشکلات از طریق افرادی که مورد تأیید روستاییان بودند (اعضای خانه انصاف)، سعی داشت به لحاظ بوروکراسی اداری با تأسیس نهاد جدید بر اهمیت اصلاحات در کشور تأکید بیشتری داشته باشد؛ لذا بررسی عملکرد آن‌ها و تأثیری که بر نظام قضایی روستاها داشتند، بسیار حائز اهمیت است. پژوهش پیش رو، در صدد است تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی این دوره، با به‌کارگیری روش توصیفی - تحلیلی کارکردهای نهاد خانه انصاف را در حل و فصل مشکلات روستاییان بررسی کند. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهند که هرچند این نهاد تازه‌تأسیس در رفع پاره‌ای از مشکلات مؤثر عمل کرد، اما به دلیل نبود نظارت دقیق بر عملکرد اعضا از سوی ناظران و وجود مشکلات عدیده در روستاها، در بسیاری موارد قادر به حل امور نبود و کارکردهای اصلی (اجرای عدالت) آن عملی نشد.

واژگان کلیدی: نهاد قضایی، روستا، خانه انصاف، کارکرد، کرمان.

استناد: فرزی، فریده، (۱۴۰۲)، گونه‌شناسی کارکردهای (پنهان) خانه انصاف کرمان در حل مشکلات روستا (۱۳۴۲ - ۱۳۵۷).

فصلنامه تاریخ روستا و روستائیشینی در ایران و اسلام، سال اول، شماره دوم، ص: ۹۱-۱۱۵.

DOI: 10.30479/HVRI.2024.18535.1004

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

حق مؤلف © نویسنده‌گان.



مقدمه

بعد از انقلاب مشروطیت با توجه به اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر روستاها، در دوره اول مجلس شورای ملی در قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام مصوب ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۵ هـ ق، اداره امور ده به کدخدا واگذار شد و ده به عنوان پایین ترین رده تشکیلات حکومتی مطرح شد. پدیده کدخدایی که بنابه ضرورت و مبتنی بر عرف و خواست مالکین از گذشته مطرح شده بود، وظایف و کارکردهایی داشت. بنابر نظر جامعه‌شناسان کارکردگرا، هر امر یا پدیده‌ای کارکردی دارد؛ به عبارت دیگر، کارکردها هستند که پدیده یا امری را مطرح می‌کنند و پویایی آن کارکردها، پویایی پدیده را به دنبال دارد. اگرچه ممکن است پدیده‌ای پس از مدتی کارکرد خود را از دست داده و تا مدتی به حیات خود ادامه دهد، اما در صورت استمرار کارکردها، پدیده موجود است، اگرچه ممکن است تغییر نام دهد یا سازمان آن تفاوت کند. وظایف منصب کدخدا از زمره کارکردهایی است که هنوز هم وجود دارد و تازمانی که روستا و روستایی برقرار باشد، این کارکردها با تفاوت‌هایی کم‌وبیش وجود خواهند داشت.

براساس این دیدگاه، وظایف مربوط به کدخدا، طی قانون سال ۱۲۸۴ ش / ۱۳۲۵ ق تفسیر می‌شود. طبق این قانون، کدخدا منصوب مالک است که نایب‌الحکومه، این انتصاب را تأیید می‌کند، اما عزل کدخدا از اختیارات مالک نیست. با توجه به کارکردهای این منصب مهم در روستا، اشاره به برخی وظایف کدخدا ضروری است؛ از جمله: مراقبت در وصول مالیات و عوارض دولتی، نظارت بر اجرای قراردادهای میان روستاییان، داوری در اختلافات حقوقی و جزایی، اعلام تغییرات جمعیتی چون زادوولد و مرگ‌ومیر به مقامات مربوطه، حفظ امنیت و اموال روستاییان و ممانعت از ارتکاب جنحه و جنایت، دستگیری فراریان نظامی و افرادی که مرتکب جرم شده و تسلیم آن‌ها به مقامات انتظامی و... به‌رغم کارکردهای مهم منصب کدخدا در روستاها، در دهه ۴۰ شمسی و هم‌زمان با دوره انجام اصلاحات ارضی، ملاحظه می‌شود که نقش مالک در تعیین و نصب کدخدا کاهش و نقش دولت افزایش یافت؛ لذا با کاهش نقش کدخدا در مدیریت امور روستا، نیاز به افرادی که به امور یادشده بپردازند، مطرح است؛ بنابراین، در طول چند دهه افراد و سازمان‌های متعددی با اسامی مختلف به حل مشکلات روستا پرداخته‌اند، شامل: شورای بخش، خانه انصاف، دهبان، انجمن ده، سپاه دانش، آبادانی و بهداشت که هر یک از آن‌ها وظایف و اختیارات خاص خود را داشتند، اما مهم‌ترین نهادی که در جهت رفع مشکلات قضایی روستاییان ایجاد شد، خانه

انصاف بود. اهمیت این نهاد در آن بود که از حجم پرونده‌های قضایی در دادگاه‌ها بکاهد و روستایان مجبور نباشند برای دادخواهی به شهر بیایند. در خانه‌های انصاف نیز هدف اصلی حل مشکلات قضایی و اختلافات روستاییان بود، اما در روستاها به دلیل وجود مشکلات عدیده و نبودن نهادی برای حل آن، روستاییان به اعضای خانه انصاف برای پیگیری مشکلاتشان رجوع می‌کردند، حتی اگر پیگیری آن امور جزء وظایف اعضای خانه انصاف نبود؛ از سوی دیگر، افرادی مانند کدخدا و ریش‌سفیدان که قبلاً وظایف خانه انصاف را انجام می‌دادند، پس از تأسیس این نهاد و انتخاب اعضا در قالب انتخابات در سطح روستا بیش‌ازپیش به انجام این امور متمایل شدند، اما از آن‌جاکه یک فرد به‌طور هم‌زمان نمی‌توانست هم کدخدا و هم از اعضای خانه انصاف باشد، اختلافاتی در سطح روستا پدید آمد که بیشتر توان اعضای خانه انصاف صرف حل اختلافاتی از این قبیل شد. در روستاهای کرمان بیشترین حجم اسناد موجود مربوط به خانه انصاف، مربوط به حل اختلافات کدخدا و خانه انصاف، تقلب در انتخابات خانه انصاف توسط کدخدا و... بود که این موارد در برخی اوقات به دادگاه‌های شهری و وزارت کشور نیز رسوخ پیدا می‌کرد؛ بنابراین، خانه انصاف به‌رغم پذیرش از سوی روستاییان، در برخی موارد خود عامل مشکلات و اختلافات بسیاری در سطح روستاهای کرمان شد. این پژوهش به دنبال آن است که دریابد چرا این نهاد به‌رغم آنکه از سوی مردم مورد پذیرش واقع شد و آن‌ها برای حل مشکلات خود به آن مراجعه می‌کردند، منجر به پیدایش مشکلات و اختلافاتی در سطح روستا شد.

گرچه کتاب‌ها و مقالات پراکنده‌ای به‌صورت توصیفی در زمان اجرای طرح توسط نویسندگان در مجلات و روزنامه‌های عصر پهلوی به چاپ رسیده است، اما در این آثار بیشتر از اهمیت انقلاب سفید، لزوم انجام آن از دیدگاه حکومت و تلاش حکومت برای نشان دادن یک انقلاب مردمی بحث شده است. در اکثر این آثار اصول شش‌گانه انقلاب سفید مطرح شده است؛ زیرا اصول شش‌گانه در سال ۱۳۴۲ هـ ش مطرح شدند و نویسندگان هم‌زمان با این رخداد، آثاری در این زمینه تألیف کردند، اما بعدها اصول ۱۲گانه دیگری به اصول شش‌گانه افزوده شد که در مجموع خانه انصاف جزء اصل نهم آن است؛ بنابراین، در کتاب‌ها و مقالات تألیف‌شده عصر پهلوی نویسندگان نظرات یکسانی راجع به انقلاب سفید و اصول ۱۹گانه آن بیان کرده‌اند، به‌گونه‌ای که تقریباً متن تمام نوشته‌ها با متن کتاب *انقلاب سفید اثر محمدرضا پهلوی* که در توجیه دلایل انقلاب سفید نوشته، یکسان است و در واقع، نوعی رونویسی غیرعلمی از آن می‌باشد.

از جمله این کتاب‌ها و مقالات می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب‌های *انقلاب شاه و ملت از دیدگاه فلسفی اثر محمد کاظمی و انقلاب سفید در سیمای میهن از ابوالقاسم رحمانی*، که هر دو در زمینه خانه انصاف فقط به دسترسی راحت روستاییان به مقوله عدالت اشاره داشته‌اند. مقالاتی نیز در زمان اجرای قانون نوشته شده‌اند که عبارتند از: «خانه انصاف» از مهدی شهلا، «طلیعه خانه انصاف» از علی اصغر شریف، و «خانه انصاف» از خسرو گیتی. در این مقالات بیشتر مواد و تبصره‌های قانونی ارائه شده و جز تمجید از مواد قانونی طرح، هیچ‌گونه تبیین و تحلیل تاریخی دیده نمی‌شود. مشکل این چنین آثاری این است که رویکرد تاریخی ندارند و صرفاً جنبه حقوقی و قضایی آن‌ها بارزتر است.

بخش دوم، آثاری هستند که با فاصله زمانی بیشتری از زمان اجرای طرح انقلاب سفید تألیف شده‌اند؛ از جمله: مقاله «بررسی تطبیقی نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب (مطالعه موردی خانه انصاف و شوراهای داوری)» از محمدرضا حافظ‌نیا و اسماعیل پارسایی و کتاب *تحول نظام قضایی ایران در دو جلد تألیف محمد زرنگ*. کتاب *نظام قضایی ایران عصر قاجار و پهلوی* اثر ویلم فلور که حسن زندیه آن را ترجمه کرده است، جز پیشینه نظام قضایی ایران، تغییرات اعمال شده در زمینه مواد قانونی مطرح شده، خانه انصاف و تأثیر آن بر نظام قضایی، مطلب جدیدی به دست نمی‌دهد. مقاله «شکل‌گیری و عملکرد نهاد خانه انصاف اصفهان» از فریده فرزی و همکاران، بر بحث شکل‌گیری اولین خانه انصاف در اصفهان، ساختار نهاد، ترکیب اعضا و نیز عملکرد این نهاد در حل مشکلات روستاییان و... تمرکز بیشتری دارد. در این مقاله بیشتر کارکردهای قضایی خانه انصاف بررسی شده‌اند.

بنابراین، تا کنون پژوهش‌های جامعی که با نگاه تاریخی به بررسی اسناد بایگانی شده و بررسی کارکردهای دیگر این نهاد پردازد، صورت نگرفته است. این مقاله در تلاش است تا به کارکردهای غیرقضایی این نهاد در روستاهای کرمان پردازد و به دنبال پاسخ به این پرسش است که اینجاست که این نهاد جدید در روستاها، چه تأثیری بر وضعیت نهادهایی که قبلاً در روستا برقرار بودند (کدخدا)، بر جای گذاشت؟ پذیرش این نهاد در سطح روستا از سوی مردم چگونه باعث کاهش اختلاف در سطح روستاها شد؟ فرضیه این پژوهش بر این قرار است که چون این نهاد به ظاهر انتخابی در سطح روستا پدید آمد، گرایش مردم و حتی مقامات روستا به آن بسیار بود و مقامی مانند کدخدا برای کسب وجهه مردمی و دست یافتن به این نهاد تلاش می‌کرد.

۱. نهادهای اداری روستا قبل از انقلاب سفید

از روزگاران کهن در ایران، دولت در دعاوی خصوصی که بین دو نفر به وجود می‌آمد، دخالت چندانی نداشت؛ زیرا این دعاوی بدون دخالت دولت هم قابل حل بودند، مشروط بر اینکه نهادها و مراجع غیررسمی معتبر و قابل اتکایی وجود داشتند و قادر به حل موضوع بودند. در جامعه ایرانی حل و فصل این اختلافات را نهادهای غیررسمی مثل ریش‌سفیدان، بزرگان، مالکان یا نمایندگان آنان و در سطحی ویژه روحانیون و به‌طور مستقل و به شکل رسمی‌تر آن، مراجع شرع که از دوران قاجار تا دوره پهلوی اول در این زمینه دارای صلاحیت بودند، عهده‌دار بودند. تا پیش از تشکیل عدلیه نوین در عصر پهلوی، بیشتر دعاوی خصوصی از این طریق حل و فصل می‌شدند، مگر مواردی که به‌ناچار باید از طریق قضاوت رسمی منصوب به حکومت خاتمه یابند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳).

فلور نیز درباره نحوه دادرسی در روستاها می‌نویسد: «در روستاها بیشتر کدخدا یا رئیس ده، مباشر یا ناظر بر دعاوی رسیدگی می‌کردند... در روستاهای اریاب - رعیتی، اختلافات را ریش‌سفید روستا قضاوت می‌کرد و در موارد جدی‌تر به رئیس بخش، ضابط یا کلانتر ارجاع می‌شد. حال آنکه موارد حادث‌تر باید به نزدیک‌ترین شهر فرستاده می‌شدند. در این دادگاه‌های غیررسمی، تصمیمات بر مبنای اکثریت آرا گرفته می‌شد و در آن جلسه، ملای ایل هم شرکت می‌کرد» (فلور، ۱۳۹۰: ۳۰). نوع دیگر از محاکم غیررسمی، بازارهای هفتگی بود. خسروی، پدر جامعه‌شناسی روستایی ایران، درباره حل اختلافات در بازارهای هفتگی می‌نویسد: «گاهی بازارهای هفتگی محل دعاوی روستاییان بودند. در موارد بروز اختلاف، دادگاهی از طرف ریش‌سفیدان و معتمدان بازار تشکیل می‌شد تا به اختلافات طرفین دعوا رسیدگی کند. طرح دعوا در بازار تنها مربوط به اختلافاتی که در بازار پدید می‌آمد، نبود، بلکه شامل اختلافات موجود بین روستاییان در دهکده‌های مختلف نیز بود. تفاوت این دادگاه غیررسمی با دادگاه‌های رسمی در این بود که تلاش قضات بیشتر در راستای حل اختلافات و آشتی طرفین بود تا مجازات» (خسروی، ۱۳۸۰: ۴۹).

طی قرن‌ها اصولاً نظام اداری در روستاها مفهومی نداشته و به‌عبارتی دولت‌ها نقشی در اداره روستاها ایفا نکرده‌اند. حتی احکام قضایی و حقوقی در بسیاری موارد براساس روابط خاص روستاییان حل و فصل می‌شد یا صاحبان حق، خود اقدام به احقاق حقوق خود و حتی قضاوت می‌کردند و در این زمینه جای پای مالک و ریش‌سفیدان و معتمدان روستا بسیار دیده می‌شد.

گاهی تحکم از طرف مالک و صلح و مصالحه و گذشت از طرف ریش سفیدان و معتمدان روستا، جای نظام اداری را در روستاها می‌گرفت (مهدوی، ۱۳۷۷: ۵۲)، اما در دوره قاجار مناسبات اجتماعی شکل خاصی به خود می‌گیرد و به دلیل تفوق قبایل کوچ‌نشین بر جامعه روستایی، گردانندگان امور سیاسی را غالباً رؤسای قبایل و کوچ‌نشینان تشکیل می‌دادند. تا این زمان هیچ قانون مدون و مشخصی در روستاها وجود نداشت یا در صورت وجود، به ندرت به مرحله اجرا درمی‌آمد، اما وقوع انقلاب مشروطه سرآغازی برای توجه به امور روستاها است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

«روستا واحدی طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی است که به لحاظ اداری به‌عنوان کوچک‌ترین واحد در تقسیمات اداری و سیاسی به‌شمار می‌آید. محدودیت جمعیت و امکانات روستا از گذشته‌های دور مدیریت آن را به‌صورت یکپارچه مطرح کرده است» (طالب، ۱۳۹۳: ۹۰). با توجه به این ویژگی‌های روستا در نظام قانونی کشور که پس از انقلاب مشروطه ایجاد شد، برای روستا هم قوانینی تصویب شد. از مهم‌ترین قوانینی که پس از مشروطه راجع به روستاها به‌کارگرفته شد، قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام در سال ۱۳۲۴ ق/ ۱۲۸۵ ش بود که در آن برای نخستین بار از کدخدا نام برده شد و او را مانند حاکم و نایب‌الحکومه در اداره نظمی روستا، به‌شمار آورد و از این پس، اداره ده به کدخدایی که مورد تأیید ساکنان ده، مالکان و نایب‌الحکومه بود، واگذار شد (مهدوی، ۱۳۷۷: ۱۲).

نحوه اداره روستاها به این صورت بود که فرد یا افرادی با عناوین مختلف: مالک، مباشر، نماینده که نقش مدیر ده را داشته‌اند، با مقامات حکومتی در ارتباط بودند. روستاها به‌نوعی خراج‌گزار دولت بوده و یک مجموعه محسوب می‌شدند. مالک ده اداره امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ده را به‌صورت یکپارچه در دست داشت و وظایف او عبارت بودند از: اداره کلی زراعت، باغداری، دامداری در سطوح مختلف و بر مبنای نسق، تأمین و نگهداری آب، مسائل حفاظتی و حمایتی در مقابل عوامل نامساعد طبیعی و امنیتی، مسائل اجتماعی درون روستا و ارتباط روستا و روستاییان با دنیای خارج از روستا. مالک ده به‌منظور تنظیم امور مختلف در سطح روستا، افرادی را از میان روستاییان منصوب می‌کرد. از مهم‌ترین این مناصب می‌توان به منصب کدخدا اشاره کرد (طالب، ۱۳۹۳: ۹۰ و ۹۱). منصب کدخدا که کریستین سن آن را در دوره ساسانیان گدگ خودایان (کدخدایان) نامیده، همان رؤسای قریه بودند که اداره امور محلی را به‌صورت موروثی بر عهده

داشتند (کریستین سن، ۱۳۸۴: ۱۲۴). با توجه به اهمیت جایگاه کدخدا در روستا، چند قرن بعد، مسعودی کدخدایان را همان طبقه دهقان و به منزله تاروپود دولت می‌داند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۴۱). در دوره‌های بعد نیز کدخدا را فرد دانا، رئیس خانه، مرد خانه، نگهبان و متصدی امور روستا معنی کرده‌اند (یوسفی فر، ۱۳۹۳: ۲). بنابه تعاریف یادشده کدخدا، فردی روستایی، منتصب مالک و مورد حمایت وی و مجری نظرات مالک بود و نیز مدیریت عملی ده را با بهره‌گیری از همکاری دشتبان، داروغه، سربینه‌ها و سالارها بر عهده داشت (طالب، ۱۳۹۳: ۹۱). روستا به‌عنوان یک واحد جمعیتی متمرکز، نیازمند نظام اداری خاصی است و اصولاً باید در چهارچوب نظام‌های خاصی عمل کند، چرا که رسیدن به توسعه و اداره آن، مستلزم ایجاد نظام‌های خاصی متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و اداری جامعه است. این شیوه اداره روستا در کل دوره قاجار ثابت باقی ماند و در دوره رضاشاه، اقدامات به‌ظاهر مترقیانه‌ای در راستای بهبود وضعیت معیشتی روستاییان و طبقه دهقان پدید آمد، اما به‌دلیل نفوذ مالکان بزرگ در روستاها، در مجموع تغییر مهمی در وضعیت روستاییان ایجاد نشد.

در دهه ۱۳۳۰ هـ ش به‌ویژه در دوره نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، در سال ۱۳۳۱ هـ ش از طریق لایحه ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی و لایحه قانونی اصلاح امور اجتماعی و عمرانی دهات در سال ۱۳۳۵ ش توجه‌هایی به امور روستاها صورت گرفت (مصدق، ۱۳۳۱: ۵۱ - ۶۴)، اما اوج توجه حکومت پهلوی به امور روستاها در انقلاب سفید سال ۱۳۴۱ ش بود که بسیاری از اصول انقلاب سفید در ارتباط با روستا و مسائل روستاییان ارتباط پیدا می‌کرد؛ از جمله این اصول اصلاحات ارضی، سپاه بهداشت و سپاه دانش بود که درباره آن‌ها، پژوهش‌های دقیق و بااهمیتی صورت گرفته است، اما یک اصل مهم انقلاب سفید که در ارتباط با روستاها و مسائل روستایی مطرح شده و از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و متأسفانه تاکنون در پژوهش‌های تاریخی به‌رغم اهمیت فوق‌العاده‌اش مغفول مانده، اصل نهم با عنوان «خانه‌های انصاف» است که این پژوهش با تکیه بر اسناد دوره موردنظر، در تلاش است اهمیت این نهاد و کارکرد آن را در روستاها بررسی کند.

۲. خانه انصاف

سال ۱۳۴۲ ش و پیش از اعلام اصل نهم انقلاب سفید، تعداد شش خانه انصاف به‌صورت آزمایشی در روستاهای کشور آغاز به کار کردند. در سال ۱۳۴۳ ش تعداد خانه‌های انصاف به ۲۳۴ خانه

رسید (نشریه آماری چهره ایران در نخستین دهه انقلاب ۱۳۴۱ - ۱۳۵۱: ۱۳۰). در ۱۳۴۴ ش قانون آن به تصویب رسید و با اعلام خانه‌های انصاف به‌عنوان اصل نهم انقلاب ایران، تعداد آن بسیار افزایش یافت و در سال ۱۳۴۸ ش اصلاحات آن به تصویب رسید. متأسفانه در بررسی منابع و اسناد دوره پهلوی، آمار دقیقی از تعداد خانه‌های انصاف در سطح کشور، طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ ش به‌دست نیامد، اما برخی منابع آمارهای پراکنده‌ای را ذکر کرده‌اند که یکسان هم نیستند؛ برای مثال، نشریه آماری تعداد خانه‌های انصاف را در سال ۱۳۴۳ ش، ۲۳۴ خانه، در ۱۳۴۴ ش حدود ۶۲۴ خانه و تا اواخر پاییز سال ۱۳۵۱ حدود ۶۷۹۷ خانه اعلام کرده است، درحالی‌که در کتاب *انقلاب شاه و مردم*، این آمارها بسیار متفاوت هستند، به این قرار که در سال ۱۳۴۳ ش حدود ۲۲۸ خانه، در سال ۱۳۴۴ ش حدود ۳۹۰ خانه و در اواخر پاییز سال ۱۳۵۱ ش حدود ۶۶۵ خانه اعلام شده است (کاظمی، بی‌تا: ۲۰۲ و نشریه آماری چهره ایران در نخستین دهه انقلاب ۱۳۴۱ - ۱۳۵۱: ۱۳۰). ناهماهنگی آمارهای پراکنده موجود زمانی بیشتر آشکار می‌شود که رحمانی در کتاب *انقلاب سفید در سیمای میهن*، طبق آماري که ارائه می‌دهد، تعداد خانه‌های انصاف را در سال ۱۳۴۵ ش حدود ۵۰۰ خانه اعلام داشته، کاظمی نیز در بین آمار ده‌ساله خانه‌های انصاف تعداد خانه‌ها را در سال ۱۳۴۵ ش حدود ۲۲۴ خانه اعلام کرده است. آمار پراکنده سال ۱۳۴۷ ش هم، طی مقایسه در دو اثر کاظمی و *انقلاب سفید* محمدرضا پهلوی به همین شیوه مغشوش و ناهماهنگ است (کاظمی، بی‌تا: ۲۰۲ و پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۷۵).

طبق «قانون تشکیل خانه‌های انصاف، این شورا که به‌منظور رسیدگی و حل و فصل اختلاف میان روستاییان ایجاد شده، متشکل از پنج نفر از معتمدان محلی است که از طرف ساکنان حوزه خانه انصاف، برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند. سه نفر از این پنج نفر، عضو اصلی و دو نفر علی‌البدل هستند» (قانون تشکیل خانه‌های انصاف، ۱۳۴۴: ۱). انتخابات خانه انصاف توسط بخشداری محل و با نظارت رئیس دادگاه بخش برگزار می‌شد. انتخاب‌کنندگان باید شرایط ذیل را دارا بودند: تابعیت ایرانی، داشتن حداقل ۲۰ سال تمام، اقامت در محل، نداشتن سابقه محکومیت کیفری، و دارا بودن اهلیت قانونی. انتخاب‌شوندگان هم باید از شرایطی برخوردار می‌بودند: داشتن لااقل ۳۵ سال تمام، معروفیت به دیانت و صحت عمل و امانت، و متأهل بودن (ساکما: ۱۵۰۰۱/۲۰۳۳، ۲۹۳ و ۹۹). نکته مهم در تشکیل خانه‌های انصاف، تبصره ماده ۴ است که طبق آن: «کدخدا حق انتخاب شدن در خانه انصاف را ندارد، مگر از سمت کدخدایی استعفا کند» (قانون تشکیل

خانه‌های انصاف، ۱۳۴۴: ۲). به نظر می‌رسید که با تصویب قانون خانه انصاف ضربه مهمی به نظام ارباب رعیتی وارد آمد و اختیارات قانونی کدخدا نیز محدود شد و از طرفی، با تصویب این قانون روستاییان به نقش خود بیشتر از گذشته در اداره امور روستا پی بردند.

بنابراین، سال ۱۳۴۲ ش هم‌زمان با اجرای آزمایشی طرح تأسیس خانه‌های انصاف، از آن‌جا که محدودیت‌هایی برای تأسیس خانه انصاف مستقل در هر روستا وجود داشت، دولت تصمیم گرفت در برخی استان‌ها به‌منظور حل امور قضایی چند روستا، یک خانه انصاف تأسیس کند، اما با تقاضای مردم به وزارت دادگستری برای تأسیس خانه انصاف مستقل در هر روستا، تعداد این خانه‌ها افزایش یافته است، به‌طوری‌که در گزارش سال ۱۳۴۹ ش معاون قضایی دادگستری آمده است: «هم‌اکنون ساکنان بیش از پنج‌هزار روستا از تشکیل خانه‌های انصاف برخوردار هستند، به‌طوری‌که از ۲۱ مهرماه سال گذشته تا کنون نزدیک به ۱۲۰۰ واحد بر تعداد خانه‌های انصاف افزوده شد» (ساکما: ۰۰۰۰۷ / ۶۹، ۲۶۴ و ۹۹). در استان کرمان نیز در سال ۱۳۵۱ ش به‌دنبال درخواست مردم روستاهای حتکن، ده قاضی، سامردوئیه، سوسفید و سلوکان از توابع کرمان، وزارت دادگستری طی نامه‌ای به بخشدار دستور می‌دهد تا «به‌منظور تشکیل خانه انصاف در روستاهای یادشده طبق مقررات اقدام کند و نتیجه را ضمن ارسال صورت‌مجلس که حاکی از حائزان اکثریت آرا باشد، اعلام دارند» (همان: ۱۵۰۰۱ / ۲۰۳۳، ۲۹۳ و ۹۹). هرچند که به‌دلیل پراکندگی اسناد مربوط به این نهاد، نمی‌توان آمار جامعی به دست داد، اما برخی آمارها می‌توانند این ادعا را اثبات کنند و این مسئله بیش از هر چیز نشان‌دهنده اعتماد مردم به حل مشکلاتشان و تعامل مثبت آنان با نهاد خانه انصاف در روستاها است. به نظر می‌رسد در این زمان دیدگاه مردم به ریش سفیدان و کدخدایان که قبلاً حلال مشکلات روستاییان بودند، تغییر یافته و مردم به‌دنبال آن هستند تا با ایجاد خانه انصاف، فرد انتخابی خود را برای دادرسی امور در روستا انتخاب کنند؛ زیرا انتخابی بودن اعضای این نهاد این قدرت را در آنان تقویت می‌کرد که در صورت نارضایتی قادر خواهند بود اعضای خانه انصاف را برکنار کنند؛ بنابراین، مردم از این نهاد استقبال کردند.

۳. گونه‌شناسی اختلافات در روستاهای کرمان (کارکردهای پنهان) و اقدامات خانه انصاف در حل مشکلات

یک‌سال پس از اجرای انقلاب سفید (۱۳۴۲ ش)، نهمین اصل منشور انقلاب به اصول دیگر اضافه شد که به‌موجب آن، باید در روستاهای کشور مرجعی مردمی متشکل از ریش سفیدان محل به‌منظور

حل و فصل یکسری از اختلافات روستاییان تشکیل شود. بر همین اساس، طرح تشکیل خانه‌های انصاف روستایی از سوی وزارت دادگستری تهیه شد و در سال ۱۳۴۲ ش به تصویب هیأت وزیران رسید. تصویب نامه مزبور، با مخالفت عده‌ای از حقوق دانان و محافل قضایی مواجه شد. این افراد معتقد بودند که سپردن امر قضاوت به روستاییانی که اکثراً بی سواد بوده و اطلاع چندانی از قوانین و مقررات حقوقی نداشته و فاقد تجارب و آموزش‌های لازم در این باره هستند، امری مخاطره‌آمیز خواهد بود و خانه‌های انصاف به علت عدم سازمان‌پذیری و عدم تبعیت از تشریفات رسیدگی قضاوت، باعث لطمه به وحدت حقوقی کشور می‌شوند (شریف، ۱۳۵۰: ۲۳). فکر تأسیس خانه‌های انصاف از آنجا نشئت گرفته بود که اکثر جمعیت کشور در روستاها بودند، به طوری که در آن زمان بیش از ۵۰ هزار روستای بزرگ و کوچک وجود داشت. اغلب این روستاها از حوزه‌های قضایی دور و از امکانات عدالت قضایی محروم بودند. از طرفی، روستاها به دلیل نبود امکانات ارتباطی و فقیر بودن اکثر ساکنان و بی سواد و ناآشنایی آن‌ها با رویه دادگاه‌های جدید، اکثراً در تنگنا قرار می‌گرفتند (انتقامی، ۱۳۴۵: ۴۳). به همین دلایل بود که روستاییان در تلاش بودند تا برای حل اختلافات، ایجاد نظم در روستاها و حتی مطرح کردن خواسته‌ها و مطالباتشان از دولت، از خانه‌های انصاف کمک بگیرند؛ بنابراین، خانه انصاف که ابتدا به منظور حل مشکلات قضایی در روستاها ایجاد شد، به تدریج کارکردهای متنوعی یافت که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۴. کارکردهای اصلی خانه انصاف در روستاهای کرمان

۴-۱. رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات خانه انصاف

خانه انصاف که یک محکمه قضایی محلی برای حل و فصل مشکلات اهالی روستا بود، گاهی در گام اولیه خود یعنی مرحله تأسیس، دچار مشکلاتی می‌شد که حل آن‌ها تا مدت‌ها نه تنها بر مشکلات این نهاد می‌افزود، بلکه کارکرد واقعی آن را نیز تحت الشعاع قرار می‌داد (در ادامه به برخی از این مشکلات اشاره می‌شود). در نامه یکی از اعضای روستای عباس‌آباد به فرماندار رفسنجان، در ابتدا ضمن قدردانی از تلاش پدر تاجدار مهربان و عدالت‌گستر و اشاره به کارکرد قضایی خانه انصاف، به سوءاستفاده برخی از افراد برای کسب این مقام اشاره شده است. در نامه آمده است که طبق قانون تشکیل خانه‌های انصاف، اعضا باید: «اولاً، دارای عیال باشند؛ و ثانیاً،

محل سکونت دائمی آن‌ها در خود محل روستا باشد؛ بنابراین، شرایط برخی از افراد فاقد صلاحیت که در تلاش برای عضویت در خانه انصاف بوده‌اند، توسط افراد روستا به فرمانداری اطلاع داده شده است. طبق این نامه، آقای محمود افراز خیال دارد رئیس خانه انصاف شود، اما محل سکونت دائمی او در خود رفسنجان است و ایشان فقط در سال به مدت یک‌ماه آن هم برای ضبط پسته در عباس‌آباد است و عیال هم ندارد. مهم‌تر از همه، این نامه به بی‌اعتمادی مردم روستا به شخص یادشده اشاره کرده است. این در حالی است که از مهم‌ترین ویژگی‌های اعضای خانه انصاف، حضور در حوزه انتخابی، متأهل بودن و داشتن مقبولیت عام در میان روستاییان است (ساکما: ۱۳۱۲/۰۳۱۲، ۱۳۱۳۶، ۲۹۳ و ۹۹). در گزارش دیگری، درباره روستای حتکن از توابع زرنند آمده است که: رئیس خانه انصاف به‌طور مجردی زندگی می‌کند (همان: ۲۰۳۳/۷۰۰۱، ۲۹۳ و ۹۹). اعتراضات و شکایت‌هایی از این دست که به‌وفور در اسناد خانه انصاف دیده می‌شود، می‌توانند نشانه نبود نظارت و بررسی دقیق در انتخاب و تأیید اعضای خانه انصاف باشد که همین امر خود منشأ مشکلات بسیاری می‌شود؛ ازسوی دیگر، آگاهی همه افراد روستا از موارد قانونی اعضای خانه انصاف نشانه اهمیت این نهاد برای روستاییان است.

۴-۲. استعفای اعضای خانه انصاف

در انتخابات دور اول خانه انصاف روستای حتکن، نمونه پیچیده‌ای از وجود چند مشکل درهم‌تنیده در امر انتخابات مشاهده می‌شود، به این صورت که: ابتدا در گزارش صورت‌جلسه انتخابات خانه انصاف روستای حتکن که به بخش‌داری ارسال شده، ذکر شده که هیچ‌گونه اعتراضی از انتخابات ده به بخش‌داری وصول نشده است و خواستار آن شده‌اند تا با استناد به ماده ۱۵ آیین‌نامه‌های خانه انصاف در صورت داشتن صلاحیت، اعتبارنامه‌های اعضا را صادر کنند (همان: ۲۰۳۳/۱۱۰۰۱، ۲۹۳ و ۹۹). از میان شرکت‌کنندگان در انتخابات، آقای سید احمد حسینی با ۷۲ رأی نفر دوم بود که در سمت کدخدایی باقی ماند (چون طبق قانون، کدخدا نمی‌تواند سمتی در خانه انصاف داشته باشد) و آقای غلامحسین علیزاده هم با ۴۲ رأی نفر پنجم بود که به دلیل صغر سن کنار گذاشته شد (همان: ۲۰۳۳/۱۲۰۰۱، ۲۹۳ و ۹۹). سپس در نامه سید علی حسینی، یکی از اعضای اصلی خانه انصاف حتکن آمده است که: «چون بعد از تشکیل خانه انصاف، دو نفر از آن‌ها به نام اسدالله نخعی و سید محمود حسینی کتباً استعفانامه‌هایی به دفترخانه انصاف این روستا تسلیم کرده‌اند و با نبودن ایشان، تشکیل خانه انصاف مختل می‌شود، در ادامه از دادگاه بخش

خواسته‌اند در این مورد تصمیم‌گیری و اقدام شود» (همان: ۸۰۰۱/۲۰۳۳، ۲۹۳ و ۹۹). بخشدار و سرپرست شهرداری نیز طی نامه‌ای اعلام کرده‌اند که استعفاکنندگان برای ادای پاره‌ای توضیحات لازم پیرامون استعفای خود از خانه انصاف حتکن، در بخشداری حاضر شوند (همان: ۱۱۰۰۱/۲۰۳۳، ۲۹۳ و ۹۹). در گزارش دیگری به بخشداری، از عدم صلاحیت آقای اسدالله نخعی به دلیل مجرد بودن مطالبی ارائه شده است (همان: ۷۰۰۱/۲۰۳۳، ۲۹۳ و ۹۹). متأسفانه در ادامه اسناد مربوط به توضیحات این افراد یافت نشد تا دلیل استقبال اولیه و شرکت آنان در انتخابات و در نهایت استعفای آنان که منجر به عدم کارایی خانه انصاف شد، روشن شود، اما به نظر می‌رسد عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌کنندگان، دلیل اصلی این مشکل از سوی بخشدار و مقامات بالادستی باشد.

۳-۴. شکایت از کدخدایان، استعفا و انتخاب کدخدا

طبق ماده ۴ قانون تشکیل خانه‌های انصاف، کدخدا حق انتخاب شدن در خانه انصاف را نداشت، مگر اینکه از سمت کدخدایی استعفا می‌کرد (قانون تشکیل خانه‌های انصاف، ۱۳۴۴: ۲). تصاحب هم‌زمان دو مقام توسط یک فرد مشکلاتی ایجاد می‌کرد؛ زیرا برخی کارکردهای خانه انصاف با کدخدا که از گذشته‌های دور در حل مشکلات روستا انجام وظیفه می‌کرد، تلاقی پیدا کرد. دلیل آن هم تسلط بیشتر دولت در روستاها بود؛ زیرا دولت پس از انجام اصلاحات تلاش کرد تا سد نفوذناپذیر قدرت بزرگ مالکان و خوانین را درهم شکند و از طریق انتخاب افراد مورد تأیید خود در روستاها به حل و فصل امور آنان اقدام کند؛ بنابراین، در این دوره شخصی که به عضویت خانه انصاف روستا درمی‌آمد، طبق قانون نمی‌توانست کدخدا باشد و برعکس، اما گاهی در روند انتخابات خانه انصاف مشکلاتی پدید می‌آمد که نه تنها در روستا قابل حل و فصل نبود، بلکه حل آن نیازمند أخذ دستور از مقامات بالاتر مانند بخشداری، فرمانداری و... بود. نمونه این مشکل در روستای امجز جبالبارز از توابع کرمان پس از انتخابات خانه انصاف سال ۱۳۸۴ ش به وجود آمد. به این صورت که کدخدای امجز ادعا کرد که از سمت کدخدایی استعفا کرده است و در انتخابات خانه انصاف شرکت کرد. پس از انتخاب وی به عنوان عضو خانه انصاف، چون نامه استعفای کدخدایی او به بخشداری نرسیده بود، بخشداری از انتخاب و تأیید وی به عنوان عضو خانه انصاف جلوگیری می‌کرد؛ از سوی دیگر، پاسگاه ژاندارمری هم از بخشدار تقاضا داشت تا یک نفر کدخدا برای قریه امجز تعیین و نتیجه را ابلاغ کنند (ساکما: ۷۱۷۷/۰۰۳۲۵، ۲۹۳ و ۹۹).

کفیل بخشداری در پاسخ نامه به فرمانده ژاندارمری آورده است که: «استعفای آقای روح‌اله صفا از سمت کدخدایی تا کنون به بخشداری نرسیده، علی‌هذا نام‌برده راهنمایی شود تا چنانچه مایل است عضویت خانه انصاف را داشته باشد، استعفای خود را به بخشداری ارسال دارد و برابر مقررات تشکیل خانه‌های انصاف، ایشان نمی‌توانند دو سمت مورد بحث را داشته باشند و پس از وصول استعفای نام‌برده نسبت به انتخاب کدخدای جدید اقدام خواهد شد» (همان: ۰۰۳۲۵/ ۷۱۷۷، ۲۹۳ و ۹۹). در ادامه نامه کفیل بخشداری خطاب به آقای روح‌اله صفا آمده است: «با اینکه در روز تشکیل خانه انصاف امجز به شما تذکر داده شد که طبق قانون تشکیل خانه‌های انصاف، کدخدا نمی‌تواند به عضویت خانه انصاف انتخاب گردد، مگر اینکه از شغل کدخدایی استعفا نماید، اظهار داشتید که قبلاً استعفا کرده‌اید و چون استعفای شما در پرونده موجود نیست، علی‌هذا به شما یادآور می‌شود که هرچه سریع‌تر استعفای خود را از شغل کدخدایی به بخشداری ارسال دارید. در غیر این صورت، مراتب به دادگاه حیرت گزارش و یکی از اعضای علی‌البدل به جای شما به عضویت خانه انصاف برگزیده خواهد شد» (همان: ۰۰۳۲۸/ ۷۱۷۷، ۲۹۳ و ۹۹). مطالعه اسنادی که در ادامه آمده‌اند، نشان می‌دهد که تأکید و هشدارهای پی‌درپی بخشدار و مقامات مافوق در تصمیم و انتخاب یک سمت تأثیرگذار بوده و ملاحظه می‌شود که بخشداری در نامه‌ای آقای دادشاه احمدی را به سمت کدخدایی قریه امجز منصوب کرده است (همان: ۰۰۳۲۷/ ۷۱۷۷، ۲۹۳ و ۹۹). به نظر می‌رسد در این زمان منصب کدخدایی در روستاها کارکرد خود را از دست داده و صرفاً به یک مقام تشریفاتی تبدیل شده بود؛ زیرا در اسناد بسیاری می‌بینیم که افراد از سمت کدخدایی استعفا و برای عضویت در خانه انصاف حتی به راه‌های غیرعادی متوسل شده‌اند؛ بنابراین، نهاد خانه انصاف در مقطع زمانی مورد بحث، مهم‌ترین نهاد در روستاهای ایران بوده است.

۴-۴. پیشنهاد خانه انصاف برای تعیین کدخدا

تنوع کارکردهای خانه انصاف، اهمیت ایجاد آن را آشکار می‌سازد. یکی از این کارکردها، پیشنهاد و تعیین کدخدا است، درحالی که کدخدا تا پیش از ایجاد خانه انصاف، از مقامات اصلی و تأثیرگذار روستا بود، اما با تأسیس این نهاد، از اهمیت آن کاسته و بر نقش خانه انصاف افزوده شد. حتی برخلاف مقام کدخدا که باید بین سمت خود و عضویت در خانه انصاف، یک سمت را انتخاب می‌کرد، اعضای خانه انصاف قادر بودند تا در انجمن ده نیز دارای مقام و منصبی باشند. در اسناد

بایگانی شده کرمان آمده است: «منطقه پهناور حاجی آباد و قرای توابع آن فاقد کدخدا است. این امر باعث شد که کار انجمن ده، به خصوص در کارهای خانه انصاف و همکاری با مأموران دولت به نحو مطلوب انجام نشود؛ بنابراین، به پیشنهاد اعضای خانه انصاف، آقای محمد جهانگیری در بین عموم اهالی این منطقه از هر لحاظ شایستگی کامل وظایف مربوط به کدخدایی را دارد» (همان: ۷۱۷۷/۰۰۳۳۲، ۲۹۳ و ۹۹). «دلیل انتخاب این فرد از سوی اعضای خانه انصاف به مقام کدخدایی، همکاری با مأموران دولت و انجام وظایف کدخدا توسط وی بود. در ادامه، اعضای خانه انصاف از طرف کلیه خرده مالکان و کشاورزان متعهد می شوند که حقوق مربوط به کدخدایی وی را پرداخت کنند و از بخشدار جبالبارز تقاضا دارند طبق مقررات، نسبت به صادر کردن حکم کدخدایی نام برده اقدام کنند» (همان). محتوای سند بالا نشان می دهد که همکاری با مقامات حکومتی در روستا، عامل مهمی در جلب اعتماد دولت و نهادهای آن در روستا بود؛ بنابراین، آنان به دنبال ایجاد زنجیره ای از مناصب و نهادهایی بودند که مطیع دولت باشند و هم سو با برنامه های آنان پیش بروند؛ زیرا دولت پس از انقلاب سفید به دنبال آن بود تا نفوذ خود را در میان روستاییان افزایش دهد.

همچنین، در اسناد این دوره علاوه بر انتصاب، مواردی از عزل کدخدا توسط اعضای خانه انصاف مشاهده می شود؛ برای مثال، رئیس خانه انصاف از جانب مردم عریضه ای خطاب به فرمانداری سیرجان نوشته که در آن از کدخدای انتصابی قریه خود اظهار نارضایتی کرده است. در این سند، کدخدا ناپرهیزگار دانسته و بیان شده است که: «مانند یک گرگ درنده و خون آشام است و خون اشخاص ضعیف را می مکد و کسی هم قدرتی ندارد که حرفی بزند». دلیل آن هم اقدام به اعمال غیرقانونی و ظلم و ستم به کشاورزان و کارگران زحمت کش اعلام شده است. در ادامه سند، خیرخواهی و راهنما بودن کدخدا را وظیفه ای مهم دانسته اند و خواسته اند در زمانه ای که پدر تاجدار زنجیر اسارت و بردگی از گردن ملت برداشته است، مردم این قریه نیز از اسارت و ظلم کدخدا رها شوند (ساکما: ۰۰۳۷۳/۳۴۹، ۲۹۳ و ۹۹). به نظر می رسد درخواست عزل کدخدا، عدم همکاری وی با اعضای خانه انصاف بوده باشد؛ زیرا این افراد پس از ورود به روستاها، به دنبال آن بودند تا سیاستها و برنامه های حکومت را در روستاها پیاده کنند، بنابراین هرگونه مقاومت و عدم همکاری از جانب مقامات روستایی، مخالفت با حکومت تعبیر می شد و در

سریع‌ترین زمان ممکن به مقامات حکومت اطلاع داده می‌شد. در نتیجه، افراد از مقام خود معزول می‌شدند.

۵- کارکردهای فرعی (پنهان) خانه انصاف در روستاهای کرمان

۱-۵. تعیین معلم برای مدارس روستایی

در بررسی کارکردهای خانه انصاف ممکن است بررسی اختلافات میان روستاییان و تلاش برای ایجاد سازش، کارکرد مهم این نهاد عنوان شود، اما در بررسی اسناد، کارکردهای دیگری هم به چشم می‌خورد که نشان از اعتماد و تعامل مردم با این نهاد دارد؛ زیرا مردم نه فقط برای حل مشکلات قضایی، بلکه در مواردی مثل کمبود معلم در روستاها نیز به خانه انصاف مراجعه و درخواست کمک می‌کردند تا از طریق ارتباط با مراکز و سازمان‌های کشوری به حل مشکلات روستاییان اقدام کنند؛ برای مثال، «در روستای حتکن از توابع زرنند، تعداد ۳۵ نفر شاگرد در ده قاضی و سکوکان برای درس خواندن حاضر بوده‌اند، اما معلمی برای آموزش آنان اعزام نشده بود. اهالی روستا از خانه انصاف تقاضا کردند که یک معلم به روستای آنان اعزام شود. در نهایت، اداره کل آموزش و پرورش دستور اعزام یک نفر سپاهی برای روستای ده قاضی را صادر کرده است» (همان: ۲۰۰۱/۴۰۰۴، ۶۰۰۱، ۲۰۳۳، ۲۹۳ و ۹۹). به نظر می‌رسد مردم روستاها به حضور نهاد آموزشی و قضایی در روستاها و لزوم به‌کارگیری آن‌ها به‌منظور پیشرفت خود و فرزندانشان پی برده‌اند.

۲-۵. خانه انصاف، مجری برگزاری برنامه‌های دولتی در روستا

نهادهای موجود در روستا (خانه انصاف، سپاه ترویج کشاورزی، آموزگاران، و اعضای انجمن عمرانی ده) برای بزرگداشت جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی تصمیم گرفتند مبلغی وجه به‌منظور برگزاری جشن افتخاری پرداخت کنند. انجمن عمرانی قریه کوشک تقبل کرد مبلغ یکصد هزار ریال از بودجه عمرانی روستا را در اختیار خانه‌های انصاف بگذارد تا جشن هرچه باشکوه‌تر برگزار شود (همان: ۱۵۰۰۰/۶۹۹۹، ۲۹۳ و ۹۹)؛ بنابراین، در این برهه تاریخی، خانه انصاف به‌عنوان یک نهاد تازه‌تأسیس در روستا، مجری برگزاری جشن‌های حکومتی شده است. این مسئله نشان‌دهنده آن است که به‌رغم مردمی بودن این نهاد در روستا، پیشبرد اهداف و برنامه‌های حکومتی نیز از اهم اهداف خانه‌های انصاف در روستاها بوده است. اهمیت خانه‌های انصاف در تبلیغ

دستاوردهای حکومت باعث می‌شد تا هر ساله تعدادی خانه‌های انصاف در روستاهای کشور تأسیس شود، به طوری که در سال ۱۳۵۰ ش از ۲۵ طرح عمرانی شهرستان بم در استان کرمان، شش طرح مربوط به افتتاح خانه انصاف، خانه فرهنگ روستایی، دبستان، حمام و ساختمان شرکت تعاونی هرکدام شامل دو طرح، ساختمان اداره آموزش و پرورش، پارک، حصارکشی دبیرستان، ساختمان امامزاده، تسطیح خیابان و توسعه لوله‌کشی آب آشامیدنی هرکدام شامل یک طرح عمرانی بودند (همان: ۱۷۰۰۰/۶۹۹۹، ۲۹۳ و ۹۹؛ ۱۸۰۰۰/۶۹۹۹، ۲۹۳ و ۹۹). با توجه به شواهد موجود، افتتاح خانه‌های انصاف در شهرستان بم به نسبت دیگر طرح‌های عمرانی بیشتر مورد توجه دولت بوده است. این مسئله نشان‌دهنده آن است که چون خانه‌های انصاف در راستای اهداف حکومت عمل می‌کردند و از سوی دیگر، از دیدگاه مردم نیز یک نهاد انتخابی و در دسترس بودند، بیشتر مورد پذیرش روستاییان قرار گرفته بودند.

اما گاهی مشکلاتی در سطح روستاها ایجاد می‌شد که نه تنها بر کارکرد مثبت آن تأثیر نامطلوب می‌گذاشت، بلکه بر مشکلات پیش روی خانه انصاف نیز می‌افزود؛ برای مثال، در اسناد خانه انصاف کرمان آمده است که: «چند نفر با تحریکات متعدد خود که دلیل آن اختلاف با اعضای انجمن عمرانی بوده، باعث کاهش دو درصد سهم قانونی انجمن عمرانی شده‌اند که این مسئله باعث به تعویق افتادن برنامه‌های عمرانی شده است؛ بنابراین، بخشدار سیرجان طی نامه‌ای به فرمانداری سیرجان، از او تقاضا کرده است تا به موضوع رسیدگی کند و ضمن ارشاد این افراد تلاش کند تا اختلاف و دودستگی را برطرف کند و در صورت عدم موافقت در این مورد، مطابق مقررات با آنان برخورد شود» (همان: ۰۰۳۴۸/۳۴۹، ۲۹۳ و ۹۹). فرمانداری در پاسخ به نامه مذکور دستور داده «چنانچه این افراد با تحریکاتی علیه برنامه‌های عمرانی و نظم و امنیت مرتکب اعمال خلافی شده‌اند، باید تحت تعقیب قانونی قرار گیرند» (همان: ۰۰۳۵۱/۳۴۹، ۲۹۳ و ۹۹). همچنین اداره تعاون و امور روستاهای بردسیر نیز اعلام داشته که در اثر تحریکات این افراد، اعضای انجمن ده نتوانسته‌اند در وصول درآمد دو درصد، طبق سنوات گذشته، فعالیت کنند (همان: ۰۰۳۵۱/۳۴۹، ۲۹۳ و ۹۹). سپس اداره تعاون به بخشدار بردسیر نوشته، در نزول فعالیت و نقصان وصولی دو درصد، آقایان ابادری و هدایتی را مقصر دانسته و تحریکات آنان را باعث عدم پیشرفت اقدامات عمرانی و نپرداختن دو درصد به وسیله صاحبان درآمد می‌داند. در ادامه نامه، اعضای انجمن عمرانی برای تأیید ادعای خود مبنی بر کاهش درآمدهای وصولی، میزان درآمدهای وصولی

طی سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ ش را ۴۲۰۶۴۹ ریال و درآمد وصولی سال ۱۳۵۳ ش را ۳۳۷۷۰ ریال اعلام داشته‌اند و تأکید کرده‌اند در صورتی که تحریکات و شایعات از بین نرود، انجام فعالیت‌های عمرانی در قریه مزبور با اشکال صورت خواهد گرفت (همان: ۳۵۴، ۳۴۹، ۲۹۳ و ۹۹). تمام این موارد نشان‌دهنده آن هستند که رقابت و اختلافات شخصی، نه تنها بر انجمن عمرانی موجود در روستا، بلکه بر کارکرد نهاد خانه انصاف نیز تأثیرگذار بود و مانع از آن می‌شد که خانه انصاف به هدف واقعی خود که کاهش مشکلات روستاییان بود، عمل کند. حتی گاهی اختلافاتی از این قبیل بر حجم شکایات و پرونده‌های موجود در خانه انصاف، فرمانداری، بخشداری نیز می‌افزود و زمینه‌ساز اختلاف و دودستگی در روستاها می‌شد.

۳-۵. خانه‌های انصاف و تبلیغ دستاوردهای حکومت

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی که در سال ۱۳۵۰ ش برگزار شد، عظیم‌ترین برنامه تبلیغی و کاربردی دستگاه پهلوی بود. از سال ۱۳۳۷ ش به‌رغم وجود مشکلات متعدد در کشور، زمینه‌سازی برای برگزاری جشن شروع شد و سال‌های ۱۳۴۰، ۱۳۴۶ و سپس ۱۳۴۸ ش را به‌عنوان سال‌های برگزاری جشن در نظر گرفتند، اما به‌دلیل مشکلات مالی و عدم تأمین بودجه لازم انجام نشد (پورآرین، ۱۳۹۴: ۱۲). هدف از برگزاری این جشن، پیوند دادن شاهان پهلوی به شاهنشاهی ایران باستان، کسب اعتبار بین‌المللی و نمایش عظمت و قدرت خاندان پهلوی بود. از سال ۱۳۴۲ ش و پس از تأسیس خانه‌های انصاف در روستاها، هر ساله به مناسبت بزرگداشت ۲۵۰۰ سال تأسیس سلسله پهلوی و تأسیس خانه‌های انصاف، همراه هر سال جشن باشکوهی برگزار می‌شد که تمامی این برنامه‌ها در جهت نشان دادن مشروعیت خاندان پهلوی و نمایش قدرت آنان صورت می‌گرفت.

بنابراین، هر ساله به مناسبت سالروز تشکیل خانه‌های انصاف، جشنی با حضور مقامات دادگستری، قضات و نمایندگان خانه‌های انصاف در آرامگاه رضاشاه برگزار می‌شد. در سال ۱۳۴۹ ش پس از سخنرانی آقای هنرمندی، معاون قضایی دادگستری، درباره آثار اصل نهم انقلاب سفید شاه و ملت، پیکره شاهنشاه به‌وسیله نمایندگان خانه‌های انصاف و شوراهای داوری گل‌باران شد (روزنامه اطلاعات، ۲۱ / ۰۷ / ۱۳۴۹، شماره ۱۲۳۱۹، ص ۴). سپس وزیر دادگستری، آقای هویدا، نخست‌وزیر و مقامات حکومتی و قضایی کشور و همچنین نمایندگان خانه‌های انصاف در یک ضیافت در هتل ونک حضور یافتند. در این مراسم، ضمن تشریح اهمیت خانه‌های انصاف و

ستایش اقدامات شاهنشاه در باب اصول انقلاب سفید، به ۶۴ تن از قضات و اعضای شوراهای داوری و خانه‌های انصاف به‌وسیله نخست‌وزیر نشان عدالت اهدا شد (همان: ۲۲/۰۷/۱۳۴۹، شماره ۱۲۳۲۰، ص ۴). انجام برنامه‌هایی از این قبیل در راستای تبلیغ عدالت از سوی دولت مردان و مقامات قضایی نشان‌دهنده این مسئله است که دولت به‌منظور اقناع روستاییان و تأسیس خانه‌های انصاف و دیگر نهادهای جدیدی که پس از انقلاب سفید در روستاها ایجاد شده بودند، تلاش بسیاری داشت و از این طریق قصد داشت حمایت روستاییان را به‌دست آورد؛ برای مثال، روزنامه اخبار شرق کرمان در تاریخ ۲۸ مهرماه ۱۳۴۹ ش، درباره برگزاری جشن خانه‌های انصاف، گزارشی ارائه کرده است: «در سال‌روز تأسیس خانه‌های انصاف، بعد از سخنرانی رئیس کل دادگستری استان در باب اهمیت خانه‌های انصاف و گسترش عدالت اجتماعی، پیکره شاهنشاه آریامهر که در میدان انقلاب سفید کرمان بود، به‌وسیله اعضای هیأت دولت و برخی از اعضای خانه‌های انصاف گل‌باران شد (ساکما: ۱۴/۰۰۰۱۴/۶۹، ۲۶۴ و ۹۹). در سال ۱۳۵۰ ش در بخش جبالبارز، اعضای خانه انصاف این بخش و دیگر مقامات روستایی به‌منظور برگزاری باشکوه‌تر جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی تشکیل جلسه دادند. این جشن‌ها که به مناسبت تأسیس خانه‌های انصاف در روز ۲۱ مهر هر سال برگزار می‌شد، در برخی مناطق به مدت هفت شبانه‌روز ادامه می‌یافت و طی این مدت در روستاها از دستاوردهای حکومت و ثمره انقلاب سفید برای روستاییان تبلیغاتی انجام می‌شد (همان: ۱۵/۰۰۰۱۵/۶۸۳۸، ۲۹۳ و ۹۹). در جریان برگزاری این جشن‌ها، خانه انصاف مجری برگزاری جشن بود و پذیرایی از مردم توسط خانه انصاف روستا انجام می‌شد (همان: ۱۷۰۰۱/۷۰۱۱، ۲۹۳ و ۹۹). علاوه‌براین، برگه‌های خطابه به زبان ساده و روستایی تنظیم می‌شد و در روز جشن در اختیار رؤسای خانه‌های انصاف، انجمن ده، مدیرعامل شرکت‌های تعاونی و مدیران دبستان‌های سپاهی قرار داده می‌شد (همان: ۱۶/۰۰۰۱۶/۶۸۳۸، ۲۹۳ و ۹۹) که در آن‌ها، ضمن بزرگداشت فرخنده جشن باعظمت ۲۵۰۰امین سال بنیانگذاری شاهنشاهی و نیایش و افتخار به کورش بزرگ و برشمردن خدمات ارزنده شاهنشاه آریامهر در پیشرفت مملکت، ایراد می‌شد (همان: ۳/۱۷۰۰۰۳/۷۰۱۱، ۲۹۳ و ۹۹).

۵-۴. تقاضای خانه انصاف برای دریافت گندم دولتی و جلوگیری از گران‌فروشی

رئیس خانه انصاف مرغک، بخش حومه بم، در نامه‌ای خطاب به فرمانداری شهرستان بم، وضعیت مردم را بدین‌گونه شرح داده است: «قریه مرغک دارای ۳۷ دهکده است که اکثر آن‌ها از راه

کارگری امرار معاش می‌کنند و بیشتر این دهکده‌ها در نقاط کوهستانی و دور از مرکز قرار دارند و کلیه مخارج آن‌ها از راه کارگری تأمین می‌شود. وی در ادامه، ضمن قدردانی از تلاش‌های شاهنشاه آریامهر و تأکید بر امنیت و آبادانی منطقه محل سکونت خود، اظهار داشته است که: «در این قریه کمبود گندم و تهیه آن آنقدر برای مردم سخت است که قادر به تأمین نان خود نیستند و سرگردان هستند؛ زیرا در این قریه اصلاً گندم وجود ندارد و هنگامی که برای خرید گندم به ده دیگری می‌روند، بیشتر مغازه‌داران به این مردم فقیر و زحمت‌کش گندم نمی‌دهند و چنانچه گندمی گیرشان بیاید، قیمت آن تا نان شدن به شش تومان/ شصت ریال می‌رسد.» او در ادامه خواسته است تا ضمن آگاهی از وضعیت زندگی مردم قریه مرغک، به موضوع رسیدگی شود (همان: ۱۲۹۵۱/۲۹۳ و ۹۹). فرمانداری کرمان در پاسخ به نامه، مسئله کمبود نان و افزایش قیمت آن را در اکثر شهرستان‌ها اطلاع داده و طبق آمار که ارائه داده است، حدود هشت درصد مردم شهرستان بم از گندم بازار آزاد استفاده می‌کنند و پیشنهاد داده که مردم قریه نیز می‌توانند به این صورت تأمین احتیاج کنند، تازمانی که فرمانداری سهمیه گندم بم را افزایش دهد (همان: ۲۹۵۱، ۲۹۳ و ۹۹). محتوای نامه رئیس خانه انصاف به فرماندار گویای آن است که این افراد به دلیل حضور در روستا و درگیر شدن با مشکلات روستاییان، بهتر می‌توانند مشکلات موجود در روستا را انعکاس دهند؛ به همین دلیل است که روستاییان با این نهاد تعامل مثبتی داشتند، هرچند برای حل مشکل آنان از جانب مقامات حکومتی اقدام سازنده‌ای صورت نپذیرفت. نهاد خانه انصاف نه تنها در روستاها برای حل مشکلات قضایی فعالیت می‌کرد، بلکه در موارد بسیاری برای حل مشکلات معیشتی، فرهنگی و اجتماعی مردم نیز با دولت مکاتبه داشت و این مسئله نشان از کارکردهای نامحدود و پنهان خانه انصاف، و رای کارکردهای قضایی آن است.

۵-۵. خرابی محصولات کشاورزی ناشی از سیل و نگرگ و درخواست مساعدت مالی از

خانه انصاف

به‌موجب عریضه مفصلی که رئیس خانه انصاف قریه گور، از توابع ساردوئیه، از جانب مردم تهیه و تنظیم و برای بخشداری ارسال کرده، وضعیت بدین شرح اعلام شده است: «مالکان و کشاورزان قریه توتون، جزء دهستان ساردوئیه، بر اثر شدت باران و رعدوبرق شدید که مدت شش ساعت طول کشیده است، کلیه حاصل زراعتی سال ۱۳۴۷ ش آنان خسارت دیده، همچنین تمام درختان ثمری آنان از بیخ کنده شده و اطاق نشیمن را نیز سیل برده است و به دلیل عدم استطاعت مالی،

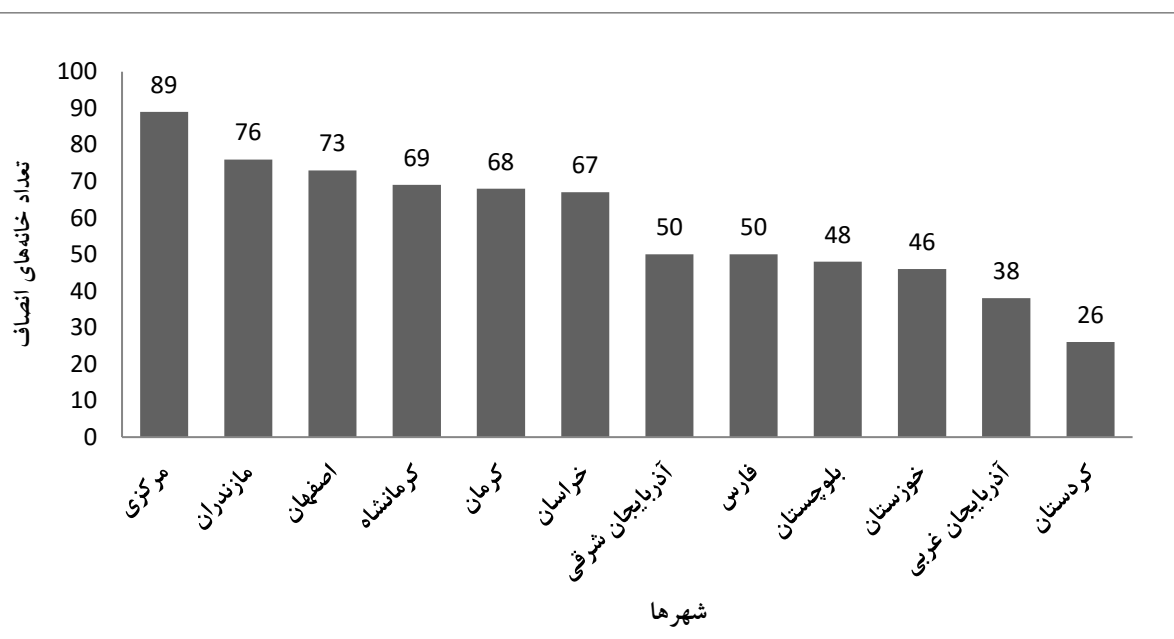
حاضر به جبران خرابی ناشی از سیل نیستند» (همان: ۷۴۳۸، ۲۹۳ و ۹۹). کفیل بخشدار در نامه‌ای دیگر اعلام داشته است که: «میزان خسارت وارد شده ناشی از سیل به وسیله اعضا خانه انصاف و سپاه دانش برآورد شده است و در ادامه اسنادی از میزان خسارت وجود دارد که مبلغ خسارت را ۲۳ هزار تومان اعلام داشته‌اند که به تأیید اعضای علی‌البدل خانه انصاف، کدخدای ده و معتمدان محلی رسیده است» (همان). هرچند برآورد خسارات ناشی از سیل، خسارت به محصولات کشاورزی و باغداری در زمره وظایف دیگر نهادهای موجود در روستا مانند انجمن‌های عمرانی ده، انجمن ترویج کشاورزی و... است، در این مورد نیز رجوع و دادخواهی مردم به خانه انصاف در حل مشکل و مساعدت از مقامات حکومتی به واسطه اعضای خانه انصاف قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

در روستاهای کشور از روزگاران کهن مناصبی وجود داشت که کارکرد اصلی‌شان ایجاد نظم و تعادل در انجام امور روستا بود. یکی از این مناصب، کدخدا بود که در ساختار اجتماعی و قضایی روستا نقش بسیار مهمی ایفا می‌کرد، اما در دوره پهلوی دوم و هم‌زمان با انقلاب سفید پهلوی، دولت در تلاش بود تا ضمن حفظ منصب کدخدا به صورت یک مقام محلی تشریفاتی، با ایجاد نهادهای دیگری همچون خانه انصاف، به افزایش قدرت و سیطره خود در سطح روستاها دامن بزند؛ به همین دلیل به‌رغم وجود کدخدا در روستا به‌عنوان یک مقام دولتی که مردم از گذشته تا کنون برای حل مشکلات خود به او پناه می‌بردند، شاهد تأسیس خانه‌های انصاف در روستاها هستیم که اعضای آن با رأی مستقیم اهالی روستا انتخاب می‌شدند. این در حالی بود که کدخداها منصوب شده حکومت بودند. همین مسئله باعث شد تا مردم اقبال بیشتری به انتخابات نهاد خانه انصاف نشان دهند و در سطح روستا نیز کدخدا هم که یک مقام دولتی بود، برای داشتن جایگاه مردمی در سطح روستا تلاش کند. در برخی موارد اسنادی به‌دست آمد که حتی کدخدایان از سمت خود استعفا کرده و به‌عنوان نامزد انتخابات خانه انصاف شرکت می‌کردند. مسئله انتخابی بودن اعضای خانه انصاف و نیز مردمی بودن اعضای این نهاد باعث شد تا در سطح روستا اختلافات و درگیری‌های بسیاری که منجر به افزایش مراجعه به دادگاه‌های شهری می‌شد، پیش آید؛ بنابراین، نهاد خانه انصاف که باید در روستاها به حل مشکلات محلی اقدام و از این طریق به کاهش مراجعه روستاییان به دادگاه‌های شهر کمک می‌کرد، خود به عاملی برای وقوع مشکلات تبدیل شد. این در حالی بود که خانه‌های انصاف در روستاها به میزان زیادی در حل مشکلات

روستاییان موفق عمل می‌کردند و روستاییان در صورت بروز مشکلات یا اختلاف به این نهاد مراجعه می‌کردند؛ بنابراین، می‌توان گفت که نهاد خانه انصاف به‌عنوان یک نهاد مردمی که هدف آن حل و فصل مشکلات روستاییان در سریع‌ترین زمان ممکن بود، در روستاهای کرمان به‌دلیل رقابت کدخدایان، تقلب در انتخابات و اموری از این قبیل به‌رغم کارکرد مثبت اولیه، در نهایت با مشکلات بسیاری مواجه شد.

نمودار (۱): تعداد خانه‌های انصاف در سال ۱۳۴۹ هـ ش



منبع: (انتقامی، ۱۳۴۵: ۴۳).

منابع

کتاب‌ها

- بهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵ هـ ش)، *انقلاب سفید*، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- خسروی، خسرو (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی روستایی ایران (ده مقاله)*، تهران: فرس.
- رحمانی، ابوالقاسم (۱۳۴۶)، *انقلاب سفید در سیمای میهن (راهنمای سپاهیان انقلاب)*، تهران: شرکت نسبی کانون کتاب.
- شکیبامقدم، محمد (۱۳۷۴)، *اداره امور سازمان‌های محلی و شهرداری*، تهران: هور.

- طالب، مهدی (۱۳۹۳)، مدیریت روستایی در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- فلور، ویلم و امین بنانی (۱۳۹۰)، نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی، ترجمه حسن زندیه، قم: حوزه و دانشگاه.
- کاظمی، محمد (بی تا)، انقلاب شاه و ملت از دیدگاه فلسفی. تهران: چاپخانه ارتش شاهنشاهی.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۸۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مهدوی، مسعود (۱۳۷۷)، مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- انتقامی، کو تووال (۱۳۴۵)، «خانه‌های انصاف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- پورآرین، فؤاد و هادی دل‌آشوب (تابستان و پاییز ۱۳۹۴)، «انگیزه و اهداف برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی»، فصلنامه ژرفا پژوه، سال دوم، دفتر دوم و سوم، شماره پیاپی ۴ و ۵، صص ۷-۲۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران (پاییز ۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی تأثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروند (مطالعه موردی: خانه انصاف و شورای داوری)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷، صص ۱۴۵-۱۶۴.
- شریف، علی اصغر (بهار ۱۳۵۰)، «از محضر شرع تا خانه‌های انصاف»، مجله حقوق مردم، ش ۲۳، صص ۲۳-۲۶.

- یوسفی‌فر، شهرام و شهناز جنگجو (۱۳۹۳)، «جایگاه و منصب کدخدا در مدیریت روستایی ایران از مشروطه تا پایان حکومت پهلوی اول (۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ش/ ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱م)»، مجله پژوهش‌های تاریخی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)، سال پنجاهم، دوره جدید، شماره سوم (پیاپی ۲۳)، صص ۲۷ - ۴۸.

روزنامه‌ها

- اطلاعات، ۲۱/۰۷/۱۳۴۹، شماره ۱۲۳۱۹، ص ۴.
- _____: ۲۲/۰۷/۱۳۴۹، شماره ۱۲۳۲۰، ص ۴.
- قانون تشکیل خانه‌های انصاف، ۱۳۴۴، کتابخانه و مرکز اسناد بهارستان.
- مصدق، محمد (۱۳۳۱)، قانون اختیارات دکتر مصدق، انتشار در روزنامه رسمی ۲۸/۰۵/۱۳۳۱، شماره ۱۰۷۲۶.
- نشریه آماری چهره ایران در نخستین دهه انقلاب ۱۳۴۱-۱۳۵۱.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۰۰۰۰۷-۶۹-۲۶۴-۹۹
- _____: ۰۰۳۷۳-۳۴۹-۲۹۳-۹۹
- _____: ۱۵۰۰۱-۲۰۳۳-۲۹۳-۹۹
- _____: ۰۰۳۳۲-۷۱۷۷-۲۹۳-۹۹
- _____: ۰۰۳۲۵-۷۱۷۷-۲۹۳-۹۹
- _____: ۰۰۳۲۷-۷۱۷۷-۲۹۳-۹۹
- _____: ۷۰۰۱-۲۰۳۳-۲۹۳-۹۹
- _____: ۰۰۳۲۸-۷۱۷۷-۲۹۳-۹۹
- _____: ۲۰۳۳-۲۹۳-۹۹- ۱۱۰۰۱
- _____: ۸۰۰۱-۲۰۳۳-۲۹۳-۹۹
- _____: ۱۲۰۰۱-۲۰۳۳-۲۹۳-۹۹
- _____: ۰۰۳۱۲-۱۳۱۳۶-۲۹۳-۹۹
- _____: ۰۰۳۵۱-۳۴۹-۲۹۳-۹۹

- ۲۰۰۱-۲۰۳۳-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۴۰۰۴-۲۰۳۳-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۰۰۰۱۶-۶۸۳۸-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۱۲۹۵۱-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۱۷۰۰۰۳-۷۰۱۱-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۶۰۰۱-۲۰۳۳-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۱۳۳۱۱-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۱۷۰۰۱-۷۰۱۱-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۱۵۰۰۰-۶۹۹۹-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۳۵۴-۳۴۹-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۱۵۰۰۱-۶۹۹۹-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۰۰۳۴۸-۳۴۹-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۱۸۰۰۰-۶۹۹۹-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۱۷۰۰۰-۶۹۹۹-۲۹۳-۹۹ : _____ -
- ۰۰۰۱۴-۶۹-۲۶۴-۹۹ : _____ -
- ۰۰۰۱۵-۶۸۳۸-۲۹۳-۹۹ : _____ -